

سیاست هسته‌ای آرژانتین و دلایل تغییر آن در دهه ۱۹۹۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۱/۲۵

رحمن قهرمانپور*

چکیده

آرژانتین در دهه ۱۹۵۰، فعالیت‌های هسته‌ای خود را آغاز کرد و با پیشرفتی ستودنی، در دهه ۱۹۷۰ توانست فناوری هسته‌ای را در حوزه‌های مختلف به دست آورد. سرعت و دامنه پیشرفت هسته‌ای این کشور باعث نگرانی آمریکا و کشورهای صادرکننده فناوری هسته‌ای به آرژانتین و در صدر آنها آلمان گردید. پس از آن، فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی، بهبود روابط آرژانتین با رقیب دیرین منطقه‌ای خود برزیل، تشدید بحران اقتصادی فراگیر در آرژانتین در اوایل دهه ۱۹۹۰ و تغییر نظام سیاسی، مجموعه عواملی بودند که باعث شدند این کشور از دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های هسته‌ای گذشته خود را کنار گذاشته و به روند عدم اشاعه مورد نظر آمریکا و اروپا در نظام بین‌الملل بپیوندد.

کلیدواژه‌ها: آرژانتین، برزیل، همکاری منطقه‌ای، بحران اقتصادی، خودکفایی

* دکترای علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۶

مقدمه

آرژانتین از نخستین کشورهای در حال توسعه بود که با تأسیس کمیسیون انرژی اتمی^۱ در ۱۹۵۰ به فکر استفاده از انرژی اتمی و مزایای آن افتاد. حکومت نظامی حاکم بر این کشور اهمیت خاص برای دست‌یابی به انرژی اتمی قایل بود و باور روشنفکران هم این بود که این امر می‌تواند جایگاه و موقعیت آرژانتین را در نظام بین‌الملل بهبود بخشیده و قدرت چانه‌زنی آن را افزایش دهد. به خاطر غلبه تفکر چپ‌گرایانه مرکز - پیرامون، این باور عمیق در آرژانتین شکل گرفته بود که این کشور به خاطر تحولات پس از جنگ جهانی اول، موقعیت جهانی خود را از دست داده و به حاشیه و پیرامون نظام سرمایه‌داری جهانی منتقل شد و یکی از اصلی‌ترین دلایل این امر وابستگی به انرژی مرکز بود. بنابراین، اگر آرژانتین بتواند خود را از وابستگی به انرژی مرکز برهاند، زمینه افزایش استقلال عمل آن در نظام بین‌الملل بیشتر خواهد شد و انرژی هسته‌ای به دلیل کاهش وابستگی مزبور، نقش کلیدی در ارتقای موقعیت آرژانتین در این نظام دارد.

با این حال، پیاده‌کردن این تفکر و اندیشه در عمل با مشکلات و موانعی مواجه شد که در برخی موارد غیرقابل پیش‌بینی بود. در نتیجه، مسیر فعالیت‌های هسته‌ای آنگونه که بنیانگذاران آن پیش‌بینی کرده بودند، پیش نرفت. مشکلات فنی و سپس اقتصادی، سیاست‌مداران این کشور را متقاعد کرد حتی برنامه بلندپروازانه هسته‌ای هم نمی‌تواند به تنهایی موقعیت آرژانتین را در نظام بین‌الملل در حد مطلوب ارتقا دهد و ضرورت دارد همزمان از عناصر دیگر قدرت هم استفاده شود. بگذریم از اینکه بحران اقتصادی در دهه ۱۹۹۰، به حدی شدید شد که هرگونه اقتصادی‌بودن فعالیت‌های گسترده هسته‌ای را زیرسؤال برد. نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و حل بحران شدید اقتصادی باعث شد آرژانتین مواضع گذشته خود در مخالفت با نظم هسته‌ای موجود را کنار بگذارد.

آرژانتین که در دهه ۱۹۷۰ مخالف پیوستن به پیمان منع اشاعه^۲ و پذیرش پادمانها و بازرسی‌ها از صنایع هسته‌ای خود بود، در دهه ۱۹۹۰ سیاست خود در مورد منع اشاعه را کاملاً

1 . Comision Nacional de Energia Atomica (CNEA)

2 . NPT

تغییر داده و با پیوستن به این پیمان به عضویت گروه تهیه‌کنندگان هسته‌ای^۱ متشکل از دولت‌های پیشرفته هسته‌ای درآمد و همراه با کشورهای اروپایی و آمریکا در برقراری نظم هسته‌ای پس از جنگ سرد، پیش‌قدم شد.

تغییر بنیادین سیاست هسته‌ای آرژانتین طی دهه ۱۹۹۰ از جهات بسیاری ارزش مطالعه و بررسی دارد. این کشور در دهه ۱۹۷۰، درصد تبدیل شدن به الگوی توسعه برای کشورهای غیر متعهد و در حال توسعه بود و با هرگونه محدودیت اعمال شده از سوی غرب در استفاده از انرژی هسته‌ای مخالفت می‌کرد، ضمن اینکه شواهد موجود نیز حکایت از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای آن داشت. این موضع بی‌شبهت به مواضع هسته‌ای هند در دوران جنگ سرد نیست. موضعی که این کشور با استناد به آنها تصویب و امضای پیمان منع اشاعه را رد کرده و تحقق این امر را منوط به تحقق عدالت هسته‌ای یعنی برچیده شدن سلاح‌های هسته‌ای قدرت‌های بزرگ کرده است. آنچه بین این دو کشور و بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشترک می‌باشد، ضرورت بهره‌گیری از فواید انرژی هسته‌ای چه در عرصه فناوری‌های پیشرفته و چه در عرصه سیاست بین‌الملل است. بسیاری از این کشورها معتقدند غرب در حفظ انحصار هسته‌ای تعمد دارد و می‌خواهد ذیل عنوان حفظ امنیت بین‌الملل و جلوگیری از عدم اشاعه، این انحصار را حفظ کند. هر کشور در حال توسعه‌ای که توانسته این انحصار را بشکند، موفق شده موقعیت و قدرت خود را در نظام بین‌الملل بهبود بخشد.

بررسی تجربه آرژانتین نشان می‌دهد منطق یا نظریه نهفته در پس تلاش برای داشتن فناوری هسته‌ای همواره ثابت نیست و متناسب با شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر می‌کند و تغییر این منطق، ماهیت و دامنه فعالیت‌های هسته‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در حالی که هند و پاکستان نمونه دو کشور همسایه‌ای هستند که به رغم فشارهای غرب به بمب هسته‌ای دست یافته‌اند، آرژانتین و برزیل همزمان و هم‌سو با یکدیگر، جهت و وسعت فعالیت‌های هسته‌ای خود را تغییر دادند. نتیجه آنکه، با وجود تشابه میان فعالیت‌های هسته‌ای اولیه کشورها، مقصد و مسیر این فعالیت‌ها تفاوت‌های بارزی با یکدیگر داشته و متأثر از عوامل متعددی می‌باشند.

پرسش اصلی مقاله حاضر با توجه به نکته اشاره شده در بالا این است که چرا آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ مسیر و دامنه فعالیت‌های هسته‌ای خود را تغییر داد و به روندهای مورد نظر غرب در موضوع عدم اشاعه و نظم هسته‌ای پیوست؟ در پاسخ این ادعا مطرح می‌شود که بحران عمیق اقتصادی داخلی آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ و بهبود روابط این کشور با رقیب دیرین منطقه‌ای خود، برزیل، مهم‌ترین عوامل تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ بودند. هرچند فشارهای آمریکا تا حدی در تغییر این سیاست مؤثر بود، ولی اهمیت و وزن آن در قیاس با دو عامل مورد اشاره چندان زیاد نیست.

الف. چارچوب نظری

تلاش برای به دست آوردن فناوری هسته‌ای به دلیل ماهیت آن، متفاوت از کوشش برای داشتن سایر فناوری‌های پیشرفته است. فناوری هسته‌ای دارای ماهیتی دوگانه بوده و می‌تواند در ساخت بمب اتمی (از نوع اورانیومی یا پلوتونیومی) مورد استفاده قرار گیرد که پیامدهای آن بر امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای قابل انکار نیست. هرچند در ادبیات روابط بین‌الملل در محافل آکادمیک گفته می‌شود منطق حاکم بر رفتار قدرت‌های بزرگ (نورئالیستی است، اما در مورد داشتن سلاح‌های هسته‌ای، قدرت‌های بزرگ به توصیه پدر نورئالیسم یعنی کنت والتز گوش نمی‌کنند که معتقد است افزایش تعداد دولت‌های هسته‌ای در نظام بین‌الملل باعث افزایش ثبات آن می‌شود. به گفته وی:

«آن گونه که تاریخ عصر هسته‌ای نشان می‌دهد، سلاح‌های هسته‌ای دولت‌ها را هوشیارتر می‌کنند. دولت‌های سرکش، همانگونه که زمانی چین و شوروی اینگونه بودند، از این الگو پیروی کرده‌اند... صلاح‌طلبی خصوصیت اصلی کشورهای هسته‌ای بوده است. مگر در موارد مربوط به بحران‌های کوچک» (۱)

در نقطه مقابل، قدرت‌های بزرگ، طی چند دهه گذشته، با شدت و حدت تمام مانع انتقال فناوری هسته‌ای به کشورهایی شده‌اند که در دایره قدرت‌های غربی نبوده‌اند. حتی کشورهایی که فعالیت‌های هسته‌ای را آغاز کرده و در این راه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند، بر اثر فشار

قدرت‌های بزرگ و به طور مشخص آمریکا مجبور به کنار گذاشتن این فعالیت‌ها و بازگشت هسته‌ای^۱ شده‌اند. در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، این باور فراگیر شده بود که اشاعه هسته‌ای در خارج از باشگاه پنج قدرت اولیه هسته‌ای، در مدت زمانی نه چندان طولانی عملی خواهد شد و رهبری این کار عمدتاً با کشورهای اروپایی (و به طور مشخص آلمان، ایتالیا و سوئد) خواهد بود. جان اف کندی رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۳ بر این باور بود که در دهه ۱۹۷۰، حدود ۲۵ - ۱۵ دولت هسته‌ای در جهان وجود خواهد داشت. در سال ۱۹۶۵، در گزارش سری ارایه شده به لیبندون جانسون نیز همین نکته مورد تأکید قرار گرفته بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۱۹۴۵ به این طرف، نزدیک به بیست دولت مسیر بازگشت هسته‌ای را در پیش گرفته‌اند از جمله استرالیا، برزیل، کانادا، مصر، آلمان، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، نروژ، رومانی، کره جنوبی، سوئد، سوئیس، تایوان، یوگسلاوی، آرژانتین و آفریقای جنوبی.^(۲) سه کشور بلاروس، قزاقستان و اوکراین هم سلاح‌های هسته‌ای به ارث رسیده از شوروی سابق را کنار گذاشته و به پیمان NPT پیوستند. تنها سه بازیگر یعنی هند، پاکستان و اسرائیل توانسته‌اند هسته‌ای شده و سلاح هسته‌ای خود را حفظ کنند. کشورهای مثل استرالیا، کانادا، ژاپن، هلند و آلمان هم به داشتن فناوری هسته‌ای بسنده کرده‌اند. همه این موارد نشان می‌دهد برخی بزرگنمایی‌ها در مورد دستیابی کشورها به سلاح‌های هسته‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ غربی و رسانه‌های آنها چندان قرین واقعیت نیست. کما اینکه در قضیه حمله آمریکا به عراق هم ثابت شد این کشور فاقد سلاح هسته‌ای بوده، ولی برای ترساندن دیگران طوری رفتار می‌کرده که گویی سلاح هسته‌ای دارد. از طرف دیگر، تصمیم به هسته‌ای شدن و حتی داشتن فناوری هسته‌ای برای همه کشورها پرهزینه می‌باشد و شاید به همین دلیل است که تا کنون تعداد دولتی‌هایی که دارای فناوری هسته‌ای پیشرفته (غنی‌سازی، بازفرآوری، مدیریت زباله‌های هسته‌ای) می‌باشند از انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند. تصمیم به داشتن فناوری هسته‌ای با تصمیم به حفظ آن متفاوت است. همانطور که گفته شد، از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف، دولت‌های زیادی به دنبال کسب فناوری هسته‌ای بوده‌اند، اما فقط معدودی از

آنها تصمیم گرفته‌اند این فناوری را حفظ کنند. از این‌رو، شناخت دلایل و انگیزه دولت‌ها در کسب فناوری هسته‌ای حایز اهمیت است.

اصل عقلانیت می‌گوید دولت‌ها با محاسبه سود و زیان در نظام بین‌الملل رفتار کرده و تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کنند. بنابراین، پرسش این است که چرا دولت‌ها با وجود آگاهی از هزینه‌های بسیار زیاد تصمیم به هسته‌ای شدن اقدام به این کار می‌کنند و چنین تصمیمی می‌گیرند؟

به نظر کنت والتز، دولت‌ها به هفت دلیل تصمیم می‌گیرند سلاح هسته‌ای به دست آورند:

۱. تقلید قدرت‌های بزرگ از یکدیگر در هسته‌ای شدن
 ۲. ترس از حمله هسته‌ای کشور دیگر، مثل ترس بریتانیا از حمله هسته‌ای شوروی
 ۳. داشتن دشمن هسته‌ای و نداشتن متحد هسته‌ای مثل پاکستان
 ۴. داشتن یک دشمن دائمی و ناگزیر بودن به زندگی با آن، مثل اسرائیل
 ۵. برای برخی کشورها، سلاح هسته‌ای جایگزینی مطمئن‌تر و ارزان‌تر از ورود در مسابقات تسلیحاتی است.
 ۶. خواستن سلاح هسته‌ای برای اهداف تهاجمی
 ۷. تلاش برای کسب پرستیژ یا ارتقای جایگاه دولت در نظام بین‌الملل. (۳)
- حاکم بودن روش شناخت پوزیتیویستی مستلزم نادیده گرفتن عوامل داخلی نیست، بلکه سطح تحلیل سیستمیک نورنالیسم است که به این امر منجر می‌شود؛ چون اصالت را به ساختار نظام بین‌المللی می‌دهد. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- والتز اهمیت عوامل داخلی و حتی منطقه‌ای را تا حد قابل توجهی نادیده می‌گیرد، اما نویسندگان مختلف به عوامل داخلی مؤثر بر (غیر) هسته‌ای شدن نیز اشاره می‌کنند. اتل سولینگن از این ایده دفاع می‌کند که هرچه دولت‌ها به سمت اقتصاد بازار و آزاد متمایل‌تر باشند، انگیزه آنها برای به دست آوردن سلاح هسته‌ای کمتر می‌شود؛ زیرا هزینه حفظ فناوری و سلاح هسته‌ای برای این کشورها بیشتر از کشورهایی است که سیاست‌های اقتصادی درون‌گرا دارند. (۴) پیتر لیبرمن با بررسی روند بازگشت هسته‌ای در آفریقای جنوبی، ادعا می‌کند دموکراتیک شدن نظام‌های سیاسی عامل مؤثری در کنار گذاشتن تلاش برای داشتن

سلاح هسته‌ای می‌باشد. آفریقای جنوبی زمانی برنامه سلاح هسته‌ای خود را کنار گذاشت که نظام آپارتاید در حال فروپاشی و نظام دموکراتیک در حال ظهور بود. (۵) نتیجه آنکه، نظام‌های دموکراتیک در قیاس با نظام‌های غیردموکراتیک تمایل کمتری به داشتن سلاح هسته‌ای دارند. البته، این قاعده نسبی بوده و در مورد قدرت‌های بزرگی چون بریتانیا، هند، فرانسه و آمریکا صادق نیست. لولین هیوز با مطالعه مورد ژاپن نتیجه می‌گیرد محدودیت‌های قانونی و نهادی و نیز مخالفت افکار عمومی این کشور با داشتن سلاح هسته‌ای، مهم‌ترین مانع دستیابی ژاپن به سلاح هسته‌ای بوده است. این در حالی است که این کشور، چند ماه بیشتر با ساخت بمب اتمی از هر دو نوع اورانیومی و پلوتونیومی فاصله ندارد. مطالعه مورد مصر دوران ناصر، پاکستان، آرژانتین و برزیل هم نشان می‌دهد حکومت‌های نظامی در قیاس با حکومت‌های غیرنظامی تمایل بیشتری به کسب سلاح‌های هسته‌ای دارند.

در حالی که مطالعات دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تأثیرپذیری از پارادایم رئالیسم، عوامل خارجی را مهم‌ترین عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده کشورها در دستیابی به فناوری هسته‌ای پیشرفته و سلاح هسته‌ای می‌دانستند، مطالعات دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و مخصوصاً بررسی تصمیم کشورها به بازگشت هسته‌ای، نشان داد عوامل داخلی نیز می‌توانند در تصمیم دولت‌ها به (غیر)هسته‌ای شدن نقش مؤثری ایفا کنند.

اگر بخواهیم این نتیجه‌گیری را در قالب نظریه‌های سیاست بین‌الملل یا سیاست خارجی بیان کنیم، می‌توانیم از رویکرد نورنالیسم کلاسیک و نیز تحلیل سیاست خارجی برای درک رفتار هسته‌ای دولت‌ها بهره بگیریم؛ زیرا هر دو نظریه بر تأثیرگذاری همزمان متغیرهای داخلی و خارجی تأکید می‌کنند، هرچند نورنالیسم کلاسیک در عرصه داخلی، متغیر نخبگان تصمیم‌گیرنده را مهم‌تر از عواملی چون دموکراتیزاسیون یا مسایل اقتصادی می‌داند.

چارچوب نظری ما از این ایده روش‌شناختی مرسوم در مطالعات منطقه‌ای بهره می‌گیرد که متغیرهای داخلی و خارجی تأثیرگذار بر تصمیم (غیر)هسته‌ای شدن و وزن آنها از کشوری به کشور دیگر می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، نمی‌توان گفت در همه کشورها متغیری چون عملکرد نخبگان تصمیم‌گیرنده وزن یکسانی دارند و مهم‌تر از متغیرهایی چون مشکلات اقتصادی و نوع نظام سیاسی است. برای مثال، در کشوری مثل ژاپن، متغیر افکار عمومی در

نساختن بمب هسته‌ای مؤثرتر از خواست نخبگان بوده است. در آرژانتین دهه ۱۹۹۰ نیز برخی نخبگان، همچنان از ادامه برنامه‌های هسته‌ای آرژانتین در مقیاس وسیع حمایت می‌کردند، اما با تشدید بحران اقتصادی از اثرگذاری این نخبگان کاسته شد. به طور خلاصه، مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی موجب می‌شوند یک دولت تصمیم به داشتن فناوری هسته‌ای پیشرفته یا هسته‌ای شدن بگیرد.

ب. عوامل سیاست هسته‌ای شدن آرژانتین

بررسی تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای آرژانتین نشان می‌دهد چند عامل در روی آوردن این کشور به داشتن فناوری هسته‌ای پیشرفته در دهه ۱۹۵۰ و ادامه آن تا دهه ۱۹۹۰، نقش مؤثری داشته‌اند که عبارتند از: تلاش آرژانتین برای ارتقا و به بازیابی جایگاه خود در نظام بین‌الملل، رقابت‌های منطقه‌ای با برزیل، حاکمیت نظامیان و شرایط نظام بین‌الملل در دهه ۱۹۶۰.

۱. تلاش برای کسب پرستیژ

ترکیب جمعیتی، پیشینه تاریخی و وسعت سرزمینی آرژانتین به گونه‌ای است که زمینه‌های بالقوه تبدیل شدن آن به قدرت منطقه‌ای در آمریکای جنوبی و آمریکای لاتین را فراهم می‌کند. برزیل بزرگترین کشور آمریکای لاتین، و اصلی‌ترین رقیب آرژانتین در این منطقه محسوب شده و به نوعی مانع اصلی بلندپروازی‌های منطقه‌ای آرژانتین بوده است. ۹۷ درصد جمعیت آرژانتین را اروپایی‌ها تشکیل می‌دهند و نرخ شهرنشینی در این کشور، بیشتر از ۹۰ درصد است. از نظر تاریخی نیز از سال ۱۸۵۲ تا ۱۹۱۶، آرژانتین توسط یک الیگارشی دارای گرایش‌های لیبرال اداره می‌شد که در اداره کشور تا حد زیادی متأثر از الگوی ایالات متحده آمریکا و نظام سیاسی آن بود. در این دوران، تجارت خارجی آرژانتین به سرعت رشد کرد و بوئنس آیرس، پایتخت سیاسی، تجاری و اقتصادی آرژانتین، به یکی از شلوغ‌ترین بنادر مدرن جهان تبدیل شد. این تحولات همزمان شد با موج عظیم مهاجرت به این کشور. بر اساس

سرشماری اقتصادی سال ۱۹۱۴، دو سوم از کل صاحبان تأسیسات صنعتی و سه چهارم از مالکان، متولد خارج از کشور بودند. (۷)

مجموع این ویژگی‌ها باعث شده است آرژانتینی‌ها خود را ملتی منحصر به فرد در آمریکای لاتین بدانند. آرژانتین در ربع اول قرن بیستم، یکی از کشورهای پیشرفته دنیا با تولید ناخالص داخلی بیشتر از برخی کشورهای اروپایی بود و خود را رهبر طبیعی آمریکای لاتین و رقیب اصلی آمریکا در این منطقه از جهان می‌دانست. در سال ۱۹۱۱، تجارت خارجی آن از تجارت خارجی کانادا بیشتر و یک چهارم تجارت خارجی آمریکا بود. در این سال، آرژانتین بزرگ‌ترین تولیدکننده ذرت و بذر کتان در دنیا و دومین کشور در تولید پشم بود و در صادرات اسب و گله نیز مقام سوم را در دنیا داشت. (۸) با پایان جنگ جهانی اول و افول هژمونی بریتانیا در نظام بین‌الملل و سپس وقوع جنگ جهانی دوم و تبدیل شدن آمریکا به هژمون نظام بین‌الملل، آرژانتین اندک اندک قدرت گذشته خود را از دست داد و در زمره کشورهای در حال توسعه و جهان سوم درآمد. این در حالی است که هنوز خاطرات گذشته در ذهن نخبگان و روشنفکران و رهبران این کشور زنده است.

در میان نخبگان سیاسی و روشنفکران آرژانتینی، این اعتقاد راسخ به وجود آمد که یکی از دلایل اصلی افول موقعیت این کشور در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی اول و دوم، وابستگی آن به قدرت‌های خارجی در وارد کردن برخی کالاهای استراتژیک و از جمله انرژی بود. بحران واردات انرژی در هنگام وقوع جنگ اول و دوم جهانی نیز چنین باوری را تقویت می‌کرد. بدین سان، این اجماع نظر در آرژانتین به وجود آمد که موفقیت نظام سیاسی این کشور وابسته خودکفایی در بخش انرژی است، تفکری که زمینه‌ساز سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه درون‌گرا بود. (۹) در چنین بستر فکری بود که توجه به انرژی هسته‌ای به عنوان جایگزینی مناسب برای انرژی‌های فسیلی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

از طرف دیگر، در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گفتمان مدرنیزاسیون که تبدیل به گفتمان مسلط کشورهای در حال توسعه شده بود، انرژی هسته‌ای را به عنوان محصول یکی از فناوری‌های پیشرفته نماد مدرنیزاسیون و پیشرفت دولت‌های جهان سوم می‌دانست. این دیدگاه حداقل در میان برخی دولت‌های جهان سوم شکل گرفته بود که عامل اصلی برتری غرب و جهان صنعتی

نسبت به جهان سوم، همان صنعت یا فناوری و بخصوص فناوری‌های پیشرفته است (در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، فناوری هسته‌ای نماد فناوری‌های پیشرفته بود) و اگر کشورهای در حال توسعه بتوانند به این فناوری‌های پیشرفته دست یابند، مسیر حرکت آنها به سوی توسعه فراهم خواهد شد. به تعبیری، میان فناوری پیشرفته هسته‌ای و بازیابی موقعیت گذشته آرژانتین در نظام بین‌الملل نوعی پیوند نظری و فکری در میان نخبگان آرژانتین ایجاد شده بود.

آرژانتین جزو نخستین کشورهای غیرغربی و در حال توسعه بود که فعالیت‌های هسته‌ای را آغاز و برای کسب آن تلاش زیادی کرد. برخی، با یادآوری جنگ مالویناس (فالکلند) میان آرژانتین و بریتانیا و اینکه بمب اتمی در این جنگ جایگاهی نداشت و حتی بعد از جنگ هم انگیزه‌های آرژانتین را برای به دست آوردن یا ساخت بمب هسته‌ای تقویت نکرد، ادعا می‌کنند عمده‌ترین انگیزه آرژانتین از انجام فعالیت‌های هسته‌ای همانا کسب پرستیژ بود و از این‌رو، نقش‌آفرینی نظامیان در برنامه هسته‌ای و حتی فعالیت‌های موشکی آرژانتین در دهه ۱۹۸۰ نیز به معنای وجود شواهد کافی مبنی بر تلاش این کشور برای ساخت بمب نیست. (۱۰) نتیجه آنکه، می‌توان میان سیاست‌ها و مسیر حرکت فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌هایی که در صدد ساخت سلاح اتمی می‌باشند و آنهایی که به دنبال این امر نیستند، تفاوت‌هایی را مشاهده کرد. در حالی که برخی بازیگران پرستیژ را در داشتن بمب هسته‌ای می‌دانند، عده‌ای دیگر صرف دست‌یابی به فناوری‌های هسته‌ای پیشرفته را پرستیژ و اعتبار می‌دانند. ظاهراً در آرژانتین دیدگاه دوم طرفداران بیشتری داشت، و گرنه این کشور در اواخر دهه ۱۹۷۰ از بسیاری جهات توانایی فنی ساخت بمب پلوتونیومی را داشت. بدون پذیرش این امر، نیت ژاپن هم در انجام فعالیت‌های هسته‌ای زیر سؤال می‌رود، زیرا دلایل این کشور برای هسته‌ای شدن به اندازه دلایل آن برای غیرهسته‌ای ماندن اهمیت دارند.

۲. رقابت‌های منطقه‌ای با برزیل

برزیل اصلی‌ترین مانع تحقق بلندپروازی‌های آرژانتین در راستای تبدیل شدن به قدرت هژمون در آمریکای لاتین است. برزیل با جمعیتی قریب به ۱۸۰ میلیون نفر یعنی بیشتر از ۴ برابر جمعیت آرژانتین، وسیع‌ترین کشور آمریکا لاتین و البته، پنجمین کشور بزرگ جهان از

نظر وسعت است. در سرتاسر خاک این بزرگ‌ترین کشور پرتغالی‌زبان جهان، زبان به گونه‌ای تعجب‌آور واحد و یکسان است و برزیل با وجود داشتن مشکلات پیچیده فراوان، از نظر میزان همگرایی فرهنگی و ادغام خرده‌فرهنگ‌ها در فرهنگ ملی، در سطح بالایی قرار دارد. در این میان، جهانی‌شدن نیز به افزایش قدرت اقتصادی برزیل یاری رسانده است. (۱۱)

تلاش برزیل همراه با ژاپن، آلمان و هند برای کسب کرسی عضویت دایم در شورای امنیت، گویای این باور رهبران برزیل است که این کشور در آینده یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی خواهد بود. برزیل در دهه ۱۹۶۰، از نظر جمعیت و رشد اقتصادی از آرژانتین جلو افتاد و در دهه ۱۹۷۰، نیت خود را برای تبدیل شدن به قدرت برتر آمریکای لاتین آشکارتر کرد. این در حالی بود که از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، آرژانتین درگیر بحران‌های مستمر بود که باعث نگرانی مقامات این کشور شد. تشدید فعالیت‌های هسته‌ای برزیل در دهه ۱۹۷۰، یکی از دلایل افزایش دامنه فعالیت‌های هسته‌ای آرژانتین بود. جالب آنکه، برزیلی‌ها نیز نگران فعالیت‌های هسته‌ای آرژانتین بودند و به همین دلیل تلاش خود را برای دستیابی به فناوری غنی‌سازی بیشتر کردند. راه‌اندازی اولین رآکتور آب سنگین آرژانتین در ۱۷ مارس ۱۹۷۱ و سپس آغاز ساخت رآکتورهای جدید آب سنگین که می‌توانست مواد اولیه لازم برای ساخت بمب پلوتونیومی را فراهم آورد و آرژانتین هم فناوری بازفرآوری پلوتونیوم را داشت، باعث نگرانی برزیل شده بود. آنها معتقد بودند آرژانتین درصدد ساخت سلاح هسته‌ای است. (۱۲)

البته، اختلافات برزیل و آرژانتین ریشه‌های تاریخی داشت و تا حدی محصول عملکرد قدرت‌های استعماری بلژیک و اسپانیا در گذشته بود. مهم‌ترین اختلاف بر سر منابع آبی آبریز ریودلاپلاتا^۱ بود. برزیل و پاراگوئه در سال ۱۹۶۶، با امضای توافقی درصدد ساخت سد برق آبی روی رودخانه پارانا^۲ در مرز مشترک میان آرژانتین - برزیل و پاراگوئه برآمدند. آرژانتین ساخت این سد یعنی ایتایپو^۳ را تهدیدی برای توسعه منابع آبی خود در ریو دلاپلاتا می‌دانست و همین امر باعث تشدید تنش میان دو کشور بر سر این سد و منابع آبی آبریز فوق‌تاکتیر ۱۹۷۹ شد. (۱۳) عمده‌ترین فعالیت‌های هسته‌ای برزیل هم در این فاصله رخ داد. به طور

1 . Rio de la Plata

2 . Parana

3 . Itaipu

مشخص، تلاش برزیل برای وارد کردن فناوری هسته‌ای از آلمان و دستیابی به فناوری غنی‌سازی، آرژانتین را تشویق کرد دامنه فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش دهد. با این حال، نباید فراموش کرد آرژانتین قبل از برزیل فعالیت‌های هسته‌ای خود را آغاز کرده بود. تشدید فعالیت‌های هسته‌ای برزیل و حضور نظامیان این کشور در برنامه هسته‌ای، نگرانی‌های مقامات آرژانتینی را در مورد احتمال دستیابی این کشور به بمب هسته‌ای افزایش داد. هرچند شواهد روشنی در مورد تلاش آشکار نظامیان آرژانتین برای دستیابی به بمب اتمی وجود ندارد، بهبود صنایع دفاعی برزیل و مدرنیزاسیون، نزدیک‌تر کردن روابط با کشورهای آمریکای جنوبی و ایالات متحده آمریکا، احساس تهدید را در بین مقامات آرژانتینی افزایش داد تا حدی که در اوج تنش میان دوطرف برخی نظامیان آرژانتینی خواهان دستیابی به بمب اتمی برای مقابله با تهدید برزیل شدند. (۱۴) امضای قرارداد هسته‌ای میان حکومت نظامی برزیل و آلمان به منظور خرید چرخه سوخت در سال ۱۹۷۵، پاسخی بود به فعالیت‌های هسته‌ای آرژانتین. در مقام پاسخ نیز آرژانتین فعالیت‌های خود برای دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم را تشدید و در سال ۱۹۸۳ به این فناوری دست یافت. برزیل نیز در واکنش به این امر اعلام کرد این کشور در دهه ۱۹۹۰ قادر به ساخت بمب اتمی خواهد بود. (۱۵) در دوره‌ای که برزیل و آرژانتین نظارت و بازرسی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را با این عنوان که ناعادلانه و غیرمنصفانه‌اند، نمی‌پذیرفتند، مقاومت در برابر این بازرسی‌ها اصلی‌ترین وجه اشتراک این دو بازیگر در انجام فعالیت‌های هسته‌ای بود که بعدها در دهه ۱۹۸۰، یکی از دلایل نزدیکی آنها به یکدیگر و سپس تأسیس سازمان مشترک بازرسی، نظارت و حسابرسی از فعالیت‌های هسته‌ای آنها شد. هر دو کشور، نظام راستی‌آزمایی پیمان منع اشاعه هسته‌ای (NPT) و بازرسی‌های تعبیه‌شده در آن را ناقض حاکمیت ملی و استقلال و حق توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته و با پذیرش آنها مخالفت می‌کردند. آنها در عین رقابت، از سه زاویه مشترک به فعالیت‌های هسته‌ای در دوران جنگ سرد می‌نگریستند: (۱) انرژی هسته‌ای به عنوان ابراز توسعه و صنعتی شدن، (۲) استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای تغییر موازنه قوای منطقه‌ای و بین‌المللی و (۳) سلاح هسته‌ای به عنوان ابزار چانه‌زنی در مقابل قدرت‌های بزرگ. این نگاه مشترک باعث شد در دهه ۱۹۸۰، وقوع اتفاقاتی نظیر مخالفت همزمان آمریکا با فعالیت‌های

هسته‌ای برزیل و آرژانتین و جنگ میان بریتانیا و آرژانتین بر سر جزایر فالکلند (مالویناس)، رهبران این دو کشور آمریکای لاتین را بیش از پیش به هم نزدیک کرده و زمینه‌های عبور از رقابت هسته‌ای به همکاری هسته‌ای میان آنها را فراهم کند. (۱۶)

۳. حکومت نظامیان

سومین عاملی که باعث شد آرژانتین فعالیت‌های هسته‌ای خود را آغاز کرده و توسعه دهد، وجود حکومت‌های نظامی در این کشور و در کنار آن، تسلط نظامیان بر کمیسیون ملی انرژی اتمی^۱ آرژانتین تا ۱۹۸۳ بود. نیروی دریایی آرژانتین، بیشترین نقش را در پیش‌برد برنامه هسته‌ای این کشور داشت. این نیرو، در دو جنگ جهانی اول و دوم با بحران سوخت مواجه شد و از این رو، بیشتر از دیگران به اهمیت انرژی هسته‌ای پی برده بود. دلیل دیگر علاقه‌مندی نیروی دریایی به برنامه هسته‌ای، میل به کسب فناوری و مهندسی پیشرفته هسته‌ای بود. بعد از قدرت گرفتن نظامیان در سال ۱۹۵۵ و کنار گذاشتن پرون رئیس‌جمهور آرژانتین، هر بخشی از ارتش مسئول یک کار شد و نیروی دریایی، مسئولیت فناوری هسته‌ای را بر عهده گرفت. دلیل در اختیار گرفتن کمیسیون ملی انرژی اتمی توسط نظامیان و مخصوصاً نیروی دریایی از دهه ۱۹۵۰، این بود که یکی از نزدیکان پرون که نظامی بود، از او خواست بر فعالیت‌های ریشتر، دانشمند تبعیدی اتریش نظارت داشته و به ادعاهای او در مورد نزدیک بودن زمان دستیابی آرژانتین به فناوری ساخت بمب اتمی کاملاً اعتماد نکند. زمانی که ادعای این نظامی، یعنی کاپیتان ایرالگویتا^۲ اثبات شد، پرون وی را به جای خود به عنوان رئیس CNEA منصوب کرد و این سنت تا زمان فروپاشی حکومت نظامیان در ۱۹۸۳ ادامه داشت. جنبه دیگر قضیه این بود که پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای آرژانتین، تصویر نیروی دریایی را در داخل کشور بهبود می‌بخشید و به همین دلیل، نیروی دریایی تمایلی به کنار کشیدن از برنامه هسته‌ای نداشت. (۱۷)

کمیسیون ملی انرژی اتمی که عمدتاً تحت مدیریت نیروی دریایی بود، یکی از مستقل‌ترین نهادها و البته، ثروتمندترین و قدرتمندترین آنها بود که وزارت خارجه و حتی سایر

1. Comision Nacional de Energia Atomica (CNEA)

2 . Iraolagoitia

وزارت‌خانه‌های دیگر نظارت چندانی بر کار آن نداشتند. پرون در دهه ۱۹۵۰، پیش از خلع شدن، کوشید با استفاده از برخی دانشمندان فرار کرده از آلمان نازی به اسرار اتمی آلمان دست پیدا کند و به همین منظور، از رونالد ریشر که در آلمان در مورد شکاف هسته‌ای کار کرده بود، دعوت کرد این کار را انجام دهد. بدین منظور، جزیره‌ای با اختیارات تام و تمام در اختیار او گذاشته شد تا او هرچه سریع‌تر آرژانتین را جزو کشورهای هسته‌ای کند. پرون در ۲۴ مارس ۱۹۵۱ اعلام کرد کشور او به شیوه جدیدی از تولید انرژی هسته‌ای بدون استفاده از شکافت اورانیوم دست پیدا کرده است. تصور وی آن بود که آرژانتین توانسته به کمک ریشر و امکانات مالی و اداری قرار گرفته در اختیار وی، راه متفاوتی را برای هسته‌ای شدن پیدا کند. دیری نگذشت که عدم صحت ادعای ریشر اثبات شد و پرون دستور زندانی کردن او و سپردن کار به نظامیان را صادر کرد. (۱۸)

تردیدی نیست که بخشی از پیشرفت هسته‌ای آرژانتین مدیون نظم و انضباط نظامیان بود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، این تفکر در کشورهای جهان سوم رواج داشت که ارتش و نظامیان ابزار مؤثری برای مدرنیزاسیون و توسعه می‌باشند، زیرا اصلی‌ترین نهاد منظم در جوامع بی‌نظم در حال توسعه‌اند. در عین حال، ضعف نظامیان آرژانتین در پیشبرد برنامه هسته‌ای در قیاس با برزیل این بود که به نگرانی‌ها و دغدغه‌های بین‌المللی توجه چندانی نشان نمی‌دادند؛ ضمن اینکه اولویت اصلی آنها مسایل دفاعی - امنیتی بود و نه اقتصادی. همین امر باعث شد برنامه هسته‌ای این کشور باری سنگین بر دوش اقتصاد نه چندان قدرتمند آن باشد.

برای نظامیان آرژانتین، خودکفایی اهمیت ویژه‌ای داشت و از این‌رو، در انجام پروژه‌های هسته‌ای، اولویت با خودکفایی بود. به عنوان مثال، دلیل اصلی ساخت رآکتور آب سنگین از سوی آرژانتین، منابع کم زیرزمینی اورانیم در این کشور بود. رآکتور آب سنگین با اورانیوم طبیعی کار می‌کند و نیازی به اورانیوم غنی‌شده ندارد. از این‌رو، کسب خودکفایی در آن راحت‌تر است. آرژانتین در شرایطی اقدام به ساخت رآکتور آب سنگین کرد که شهرت، اعتبار و امنیت رآکتورهای آب سبک آمریکایی و اروپایی در همه جا پیچیده بود و هزینه تولید برق با آنها کمتر از هزینه تولید برق با رآکتورهای آب سنگین بود. در نتیجه بی‌توجهی به عوامل اقتصادی، این کشور در سال ۱۹۸۵، ناگزیر به تعطیلی رآکتور تحقیقاتی آب سنگین خود شد

که می‌توانست سالانه ۱۵ کیلوگرم پلوتونیوم تولید کند. در مورد سایر پروژه‌های هسته‌ای نیز اولویت اصلی این بود که زمینه‌های کاهش وابستگی به خارج در حوزه هسته‌ای کمتر شده و آرژانتین به سمت فناوری هسته‌ای بومی حرکت کند. در همین راستا، یکی از شرایط آرژانتین در عقد قرارداد با شرکت‌های خارجی در فعالیت‌های هسته‌ای این بود که تعدادی از متخصصان و نیروهای بومی آرژانتین نیز در این پروژه‌ها مشارکت کرده و زمینه بومی‌تر شدن فناوری هسته‌ای را فراهم کنند. تفکر مبتنی بر خودکفایی، حفظ حاکمیت ملی و سرزمینی و کاهش وابستگی به خارج، بیش از آنکه در حوزه‌های اقتصادی، علمی، انرژی و فناوری طرفدار داشته باشد، در میان نهادهای مرتبط با امنیت ملی طرفدار داشت که وابستگی به خارج را تهدیدی جدی برای امنیت ملی می‌دانستند. این در حالی است که در برزیل، برنامه هسته‌ای تنها برای مدتی کوتاه به امنیت ملی این کشور گره خورد.

۴. شرایط نظام بین‌الملل در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، از بسیاری جهات، متعلق به کشورهای در حال توسعه بود. پایان دوران استعمار و تولد کشورهای جدید و ضعیف از یک طرف و سربرآوردن آمریکا و شوروی از دل ویرانی‌های جنگ جهانی دوم از سوی دیگر، باعث شد سیاست جهانی شاهد تحولات جدیدی باشد که یکی از آنها، ظهور جنبش موسوم به عدم تعهد^۱ بود. آرژانتین، اندونزی، هند، یوگسلاوی و مصر، از جمله کشورهایی بودند که در جنبش عدم تعهد جایگاه نسبتاً برجسته‌ای داشتند. هریک از این کشورها می‌خواستند به نوعی در حد فاصل میان جهان اول یا توسعه‌یافته و جهان در حال توسعه قرار بگیرند و از وضعیتی که در آن بودند، خلاصی یابند. یکی از راه‌های نیل به این خواسته، کاهش وابستگی کشورهای در حال توسعه به مرکز یا جهان صنعتی بود. نظریه‌های وابستگی هم در این راستا بر اتخاذ سیاست‌های درون‌گرایانه اقتصادی و تا حدی کمتر، سیاسی تأکید داشتند و یکی از خاستگاه‌های اصلی این نظریه‌ها منطقه آمریکای لاتین بود که در آن، جنبش‌های ضداستعماری و ضدامپریالیستی در میان مقامات دولتی و روشنفکران، طرفداران زیادی داشت. سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین در

1 . Non – Aligned Movement

دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ که طی آن اندک‌اندک جنبش عدم تعهد رو به افول گذاشت، ارتباط مستقیمی با سیاست خارجی آن داشت.

نگاه آرژانتین به رقابت ابرقدرت‌ها در دوران جنگ سرد تا حد زیادی ریشه در سیاست‌های هسته‌ای آن داشت. باور رایج این بود که برنامه هسته‌ای آرژانتین باعث تقویت جایگاه آن در میان اعضای عدم تعهد شده است. این کشور درصدد تبدیل شدن به صادرکننده دانش و فناوری هسته‌ای بود. بعد از دهه ۱۹۵۰، رهبران آرژانتین موقعیت بین‌المللی خود را بیشتر از منشور توسعه هسته‌ای می‌دیدند. این دیدگاه کم‌وبیش ثابت بود و باعث می‌شد با وجود تغییر حکومت‌ها و رهبران، سیاست‌های هسته‌ای پیشرفته در داخل را لازمه تقویت موقعیت آرژانتین در مذاکرات بین‌المللی و داشتن سیاست اقتصادی مستقل بدانند. (۹)

اتکای دو ابرقدرت به بازدارندگی هسته‌ای در دوران جنگ سرد و نقش این سلاح‌ها در حفظ موقعیت ابرقدرتی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به این نتیجه رساند که عامل اصلی ضعف آنها در نظام بین‌الملل، ضعف قدرت تکنولوژی آنهاست و با رفع این ضعف، تفاوت چندانی میان آنها و کشورهای در حال توسعه وجود نخواهد داشت. بحران‌های اقتصادی اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در آرژانتین و افزایش مهارنشده‌ی نرخ تورم، نشان داد قدرت ملی باید دارای اجزای به هم پیوسته‌ای باشد، نه اینکه هر بخشی مستقل از دیگری و به صورت متورم رشد کند. فناوری هسته‌ای آرژانتین در مقام مقایسه، به صورت متورم رشد کرده بود، در حالی که بنیان‌های اقتصادی و سیاسی این کشور به همان میزان توسعه پیدا نکرده بود. تجارب این دو دهه به آرژانتینی‌ها ثابت کرد خودکفایی و استقلال و اتکا به خود، آنگونه که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ مورد اقبال بود، امکان تحقق ندارد؛ زیرا چنین نگرشی خود را با دگری به نام غرب، مرکز یا جهان اول تعریف می‌کرد که خود پیوسته در حال تحول و حرکت بود. جهان صنعتی همواره به فناوری‌های جدیدی دست پیدا می‌کند که جهان در حال توسعه بدان نیازمند است. در نتیجه، مقوله خودکفایی به مسابقه نابرابری تبدیل می‌شود که یک طرف با تمام قوا می‌کوشد در یک حوزه به رقیب خود برسد، اما زمانی که این امر محقق می‌شود، اتفاق جدیدی رخ می‌دهد و معادله به هم می‌خورد. آرژانتین در دهه ۱۹۸۰ و به طور مشخص با اعلام وجود تأسیسات غنی‌سازی در این کشور در سال ۱۹۸۳ و

در پی جنگ فالکلند (مالویناس) که تلاشی سیاسی برای جبران شکست نظامی در جنگ با بریتانیا بود، (۲۰) به سطح پیشرفته‌ای در فناوری‌های حساس هسته‌ای یعنی بازفرآوری، غنی‌سازی و مدیریت پسماند دست یافت و حتی اقدام به صدور فناوری هسته‌ای به سایر کشورهای در حال توسعه کرد، اما همزمان با این پیشرفت، آثار و علایم بحران‌های شدید اقتصادی و سیاسی در این کشور هویدا گردید که نقش بسیار مهمی در تغییر سیاست‌های هسته‌ای آن داشت.

سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین تا دهه ۱۹۹۰، تا حد زیادی متأثر از تفکرات مقوم نظریه‌های وابستگی بود. این کشور، پیوستن به پیمان منع اشاعه هسته‌ای و سایر نظارت‌های بین‌المللی را با این عنوان که مخالف استقلال عمل آرژانتین می‌باشد، رد می‌کرد. از نظر آنها، راستی‌آزمایی و نظارت بر فعالیت‌های راکتورهای آب سنگین آرژانتین از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در عمل، مداخله در امور داخلی آرژانتین و مصداق افزایش وابستگی بود.

ج. تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین در دهه ۱۹۹۰

آرژانتین از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، اندک اندک سیاست‌های هسته‌ای گذشته خود در گسترش دامنه فعالیت‌های هسته‌ای، بی‌توجهی به نظارت‌های بین‌المللی و عدم پذیرش آنها، تبدیل شدن به صادرکننده هسته‌ای در میان کشورهای در حال توسعه و مخالفت با سیاست‌های عدم اشاعه آمریکا را کنار گذاشت و به روندهای مورد نظر غرب در مسأله خلع سلاح و عدم اشاعه پیوست تا جایی که امروزه، این کشور یکی از متحدان غرب در مسایل عدم اشاعه و خلع سلاح محسوب می‌شود. آرژانتین که تا دهه ۱۹۸۰ روند موجود در نظام بین‌الملل و نظم هسته‌ای را همچون کشورهای در حال توسعه ناعادلانه می‌دانست، اکنون بیشتر از هر زمان دیگری خود به این روندهای ناعادلانه پیوسته است تا جایی که در این مسیر، حتی از برزیل هم جلوتر زده و فعالیت‌های غنی‌سازی خود را که در سال ۱۹۹۰ تعطیل کرده بود، آغاز نکرده است. حال آنکه برزیل در سال ۲۰۰۸ و با دو سال تأخیر در برنامه زمانی اعلام‌شده از قبل، فعالیت‌های غنی‌سازی خود را در مرکز غنی‌سازی روزنده آغاز نمود.

۱. مسیر تغییرات سیاست هسته‌ای آرژانتین

بازدید رئیس جمهور برزیل از آرژانتین در ماه می ۱۹۸۰، آغاز مجموعه‌ای از تحولات در روابط دو کشور بود که به حوزه هسته‌ای نیز گسترش پیدا کرد. در سال ۱۹۸۵، دو کشور در مورد انجام بازرسی‌های متقابل از تأسیسات هسته‌ای یکدیگر توافق کردند که زمینه‌ساز تشکیل کمیسیون کنترل و بازرسی آرژانتین - برزیل^۱ در سال‌های بعد شد. سازمانی که هدف از تشکیل آن نظارت دو کشور بر فعالیت‌های هسته‌ای یکدیگر از طریق انجام بازرسی‌های هسته‌ای متداول و سرزده است. در سال ۱۹۸۷، دو کشور تصمیم گرفتند در تولید راکتورهای تحقیقاتی با یکدیگر همکاری کنند و این در حالی بود که در سال ۱۹۸۶ نیز در مورد ایجاد سیستم مشترک هشدار اولیه در مورد حوادث هسته‌ای به توافق رسیده بودند. در سال‌های بعد، مبادله اطلاعات و اورانیوم غنی‌شده نیز به این همکاری‌ها افزوده شد. دیدار کارلوس منم رئیس جمهور آرژانتین با کالر همتای برزیلی وی در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰ و امضای اعلامیه «سیاست هسته‌ای مشترک آرژانتین و برزیل»، نقطه عطفی در تغییر سیاست‌های هر دو کشور در قبال عدم اشاعه و پیمان‌های کنترل تسلیحاتی بود. در این اعلامیه، رهبران دو کشور ضمن تقبیح آشکار سلاح‌های هسته‌ای و ادوات انفجار هسته‌ای، بر تأسیس نظام راستی‌آزمایی و بازرسی و ایجاد چارچوبی برای اجرای کامل پادمان‌های آژانس و پیوستن به نسخه جدید پیمان تلاتولکو در باب ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین تأکید کردند. در ۱۸ جولای ۱۹۹۱، دو کشور به توافق دوجانبه‌ای در مورد استفاده صرفاً صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در مکزیک دست پیدا کردند. ماحصل این توافق، تأسیس ABACC در همان سال بود. این کمیسیون، یک سازمان بین‌المللی است که مقر آن در ریو دژانیروی برزیل بوده و کارمندان آن را افراد غیرنظامی تشکیل می‌دهند. این کمیسیون، نوعی نظام راستی‌آزمایی منطقه‌ای را طراحی کرده و بخشی از وظایفی را که کارمندان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌دهند، بر عهده گرفته است. در سال ۱۹۹۲، آرژانتین همراه با برزیل، توافق جامع پادمانی^۲ را با آژانس امضا کرد که چارچوب راستی‌آزمایی آژانس از فعالیت‌های هسته‌ای اعضای پیمان NPT را

1 . ABACC

2 . Comprehensive Safeguard Agreement (CSA)

تعیین می‌کند. در ۲۴ مارس ۱۹۹۳، سنای آرژانتین پیمان تلاتولوکو را به تصویب رسانید و بدین‌سان، آرژانتین متعهد شد از هرگونه کسب، نگهداری و استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خاک خود خودداری کند. این کشور، ۲۵ امین دولت آمریکای لاتین بود که این معاهده را امضا می‌کرد. در فوریه ۱۹۹۵ نیز آرژانتین به عنوان دولت غیرهسته‌ای، عضویت در پیمان NPT را پذیرفت و آمریکا و اتحادیه اروپا از این موضع تقدیر کردند. (۲۱) سه سال بعد، در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۸، آرژانتین پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۱ را امضا کرد که هر نوع آزمایش هسته‌ای را در روی سطح زمین، زیردربا، زیرزمین و جوزمین ممنوع می‌کند و پیمانی جامع‌تر از NPT است. علاوه بر اینها، این کشور پروتکل الحاقی را که جامع‌تر و وسیع‌تر از توافق جامع پادمانی می‌باشد، امضا و تصویب کرده است. آرژانتین در راستای اعتمادسازی با غرب، فعالیت‌های غنی‌سازی صنعتی خود را هنوز آغاز نکرده و بخشی از فعالیت‌های موشکی خود را کاهش داده است. افزون بر این، در روندهای اصلی عدم اشاعه، همراهی و هم‌سویی قابل توجهی با غرب دارد؛ به طوری که در کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵، خواستار اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورهایی شد که از تعهدات خود در NPT سرباز می‌زنند یا از آن خارج می‌شوند. (۲۲) این در حالی بود که این کشور به مدت سه دهه، از امضا و تصویب پیمان مزبور خودداری می‌کرد و نپیوستن به NPT را تلویحاً حق کشورهای در حال توسعه می‌دانست. غرب نیز در مقابل، آرژانتین را وارد سازمان‌ها و نهادهایی کرد که در زمینه عدم اشاعه فعال‌اند، مثل گروه تهیه‌کنندگان یا عرضه‌کننده‌های هسته‌ای^۲.

۲. دلایل تغییر سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین

پرسی که مطرح می‌شود، این است که چرا آرژانتین از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تصمیم گرفت سیاست هسته‌ای گذشته خود را کنار گذاشته و به سیاست هسته‌ای غرب بپیوندد؟ در حالی که از نظر فناوری هسته‌ای در حد قابل توجهی پیشرفت کرده بود و با قدرت‌های هسته‌ای فاصله چندانی از نظر دامنه فعالیت‌ها نداشت. چرا آرژانتین که بدون دادن تعهدهای

1 . Comprehensive Test – Ban Treaty (CTBT)

2 . Nuclear Suppliers Group (NSG)

دست و پاگیر در حال گسترش فعالیت‌های هسته‌ای خود بود، از دهه ۱۹۹۰ پیوستن به پیمان‌های منع اشاعه را آغاز کرد و حتی پیمان CTBT و تلاتولکو را تصویب کرد؟ چه شد آرژانتین سیاست مستقل هسته‌ای خود را در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ کنار گذاشت و هنجارهای مورد نظر غرب در این زمینه را پذیرفت و حتی به عنوان عضو دایم شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پذیرفته شد؟ در حالی که در سال ۱۹۷۹ بر سر اجرای پادمان‌ها با آژانس اختلاف پیدا کرد و از آن خارج شد و تا سال ۱۹۹۱، هیچ کمک فنی از این سازمان دریافت نکرد. آرژانتین تا دهه ۱۹۸۰ معتقد بود بازرسی‌های آژانس از فعالیت‌های هسته‌ای کشورها باید محدود به مواردی شود که امکان آزمایش‌های هسته‌ای نظامی وجود دارد و این موارد، حداکثر ۱۰ درصد فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را شامل می‌شود. این کشور پیمان NPT را ناقض اصل برابری دولت‌ها می‌دانست و زمانی نماینده آن در جلسه‌ای برای تصویب NPT در مجمع عمومی سازمان ملل گفته بود آرژانتین نمی‌تواند ادامه وابستگی به قدرت‌های بزرگ را در فناوری هسته‌ای تأیید کند. (۲۳) منظور از ذکر این نکات، پافشاری بر اهمیت اتفافی است که در سیاست هسته‌ای آرژانتین در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رخ داد. هند نیز در مورد پیمان NPT و نظم هسته‌ای بین‌المللی، کم‌وبیش مواضع مشابهی دارد، اما مسیر دیگری را طی کرد و تا امروز اقدام به تغییر بنیادین سیاست هسته‌ای خود و کنارگذاشتن بمب اتمی نکرده است. در دهه ۱۹۹۰، این باور رایج بود که چهار کشور آرژانتین، برزیل، هند و پاکستان در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشند، اما آرژانتین و برزیل مسیر متفاوتی را در قیاس با هند و پاکستان طی کردند.

در عالم واقع، مجموعه‌ای از عوامل و تحولات و گاه حوادث، باعث بروز پدیده‌ای چون تغییر سیاست می‌شود. در مورد سیاست هسته‌ای آرژانتین نیز این نکته صادق است. افزایش فشارهای آمریکا بر آرژانتین از اواسط دهه ۱۹۷۰، وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و بروز بحران اقتصادی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، بهبود روابط آرژانتین و برزیل و کاهش احساس تهدید آنها نسبت به یکدیگر، تغییر سیاست صادرات فناوری هسته‌ای کشورهایی مثل آلمان در دهه ۱۹۹۰، منوط‌کردن فروش فناوری‌های هسته‌ای به پذیرش پادمان‌ها توسط دولت خریداری‌کننده و پایان جنگ سرد و خوش‌بینی ایجادشده نسبت به تحقق ایده خلع سلاح در

سال‌های نخستین آن، از مهم‌ترین عواملی بودند که باعث تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین شدند. با این حال، به دلایلی که در ادامه بدانها اشاره می‌کنیم، تأثیر دو متغیر بحران اقتصادی داخلی و بهبود روابط با برزیل، بیشتر از سایر متغیرهاست.

مهم‌ترین حامی برنامه هسته‌ای آرژانتین دولت این کشور بود و بخش خصوصی نقش چندانی در آن نداشت. از این‌رو، با تشدید بحران اقتصادی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، دولت نتوانست مثل گذشته از برنامه هسته‌ای حمایت اقتصادی کند. این در حالی است که این بخش خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه، الزاماً صرفه اقتصادی ندارد. فناوری هسته‌ای جزو فناوری‌های استراتژیک ملی می‌باشد و بسیاری از دولت‌ها برای دستیابی به آن هزینه‌های زیادی خرج می‌کنند. به همین دلیل، غربی‌ها تا کنون نتوانسته‌اند با اتکا به منطق اقتصادی، کشورهای در حال توسعه را متقاعد به کنارگذاشتن برنامه هسته‌ای خود کنند. آنها می‌گویند تولید انرژی هسته‌ای از طریق خوداتکایی هسته‌ای، صرفه اقتصادی ندارد و بهتر است کشورهای در حال توسعه به جای سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنعت تولید برق هسته‌ای، تجهیزات و بخصوص سوخت، آن را از غرب وارد کنند. آرژانتین، همانگونه که اشاره کردیم، برای دستیابی به فناوری هسته‌ای بومی و کاهش وابستگی در این زمینه، هزینه‌های کلانی تا دهه ۱۹۸۰ پرداخت کرد، اما زمانی که با بحران اقتصادی مواجه شد، نتوانست همانند گذشته کمیسیون ملی انرژی اتمی را مورد حمایت مالی قرار دهد. بخصوص اینکه، کشورهای غربی در انتقال فناوری هسته‌ای موانع زیادی ایجاد کرده و به دلایل مختلف اجرای پروژه‌های هسته‌ای و نیروگاهی را به تأخیر می‌انداختند تا بتوانند پول بیشتری از خریدار و واردکننده بگیرند. این نکته در مورد شرکت‌های خصوصی غربی صادق‌تر بود. این شرکت‌ها با علم به اینکه فناوری هسته‌ای برای کشورهای در حال توسعه اهمیت حیاتی داشته و نوعی پرستیژ برای آنها محسوب می‌شود، می‌کوشند به شیوه‌های مختلف پول‌های بیشتری از این کشورها بگیرند. به عنوان نمونه، آرژانتین بعد از راه‌اندازی اولین نیروگاه آب سنگین خود در ۱۷ مارس ۱۹۷۴ به نام آتوچای یک^۱، تصمیم گرفت دومین رآکتور آب سنگین خود یعنی آتوچای دو را راه‌اندازی کند و به همین منظور با یک کنسرسیوم ایتالیایی - کانادایی قراردادی امضا کرد. کار

ساخت این نیروگاه در سال ۱۹۷۳ آغاز شد، اما بهره‌برداری از آن تا سال ۱۹۸۳ به درازا کشید. در سال ۱۹۷۸، کارگران ساحلی کانادا در اعتراض به نقض حقوق بشر توسط حکومت نظامی آرژانتین از بارزدن برخی قطعات ارسالی به آرژانتین اجتناب کردند. تأخیرهای مکرر باعث شد هزینه تمام‌شده این نیروگاه به ۱/۲ میلیارد دلار یعنی چهار برابر هزینه اولیه توافق شده برسد. (۲۴)

اگر آرژانتین دچار بحران اقتصادی و شورش‌ها و اعتصابات شهری و کارگری در اواخر دهه ۱۹۸۰ نمی‌شد، چه بسا می‌توانست هزینه‌های برنامه هسته‌ای را تأمین کند، اما زمانی که کشور دچار بحران اقتصادی بود، صرف هزینه‌های فراوان برای برنامه هسته‌ای می‌توانست موجب کاهش محبوبیت رهبران و نارضایتی مردم شود. در همه بخش‌ها نوعی رکود حاکم بود و اوضاع صنایع تولیدی به مراتب بدتر بود، طوری که تولیدات صنعتی آرژانتین در دهه ۱۹۸۰، حدود ۲۰ درصد کاهش یافت. سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرد و نرخ تورم در وسط سال ۱۹۸۹ به ۳۰۰۰ درصد رسید. همزمان با آن، نرخ بیکاری به ۸ درصد و بدهی‌های خارجی هم به ۶۰ میلیارد دلار رسید. در حالی که در دهه ۱۹۳۰، آرژانتین هفتمین تولید ناخالص داخلی را داشت، در دهه ۱۹۸۰ به هفتمین اقتصاد دنیا تبدیل شد. در این شرایط، اولویت کارلوس منم رئیس‌جمهور این کشور، حل بحران اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی از یک سو و کاهش هزینه‌های دولت از سوی دیگر بود. با توجه به اینکه در ابتدای دهه ۱۹۹۰، عمده اقتصادهای آمریکای لاتین و حتی اقتصاد برزیل دچار بحران بود، آرژانتین برای جذب سرمایه‌گذاری متوجه ایالات متحده آمریکا شد. در کاهش هزینه‌های دولت نیز عمده نگاهها متوجه فناوری هسته‌ای بود. درآمدهای آرژانتین از راه صادرات محصولات و فناوری هسته‌ای نیز به اندازه‌ای نبود که به حل بحران اقتصادی کمک کرده و کشور را از ورشکستگی اقتصادی نجات دهد.

اگر آرژانتین دچار بحران اقتصادی نمی‌شد، چه بسا مثل هند می‌توانست در مقابل فشارهای آمریکا برای تغییر سیاست هسته‌ای خود مقاومت کند. فشارهای آمریکا از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود و موضوع تازه‌ای نبود که آرژانتین با آن ناآشنا باشد.

در سال ۱۹۷۴ و در پی گزارش یک سناتور آمریکایی در مورد انحراف در استفاده از ۵۰ کیلوگرم پلوتونیوم تولیدشده در رآکتور آب سنگین آتوچای یک، فشارهای آمریکا برای تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین آغاز شد، اما تا زمانی که رهبران بوئنس آیرس دچار بحران اقتصادی نشده بودند، در مقابل فشارهای آمریکا و متحدان آنها مقاومت می‌کردند. کارلوس منم برای حل بحران اقتصادی، ادغام در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را در دستور کار قرار داد و بدینسان، اولویت‌های این کشور از اولویت‌های ژئوپولیتیکی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اولویت‌های اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، تغییر کرد. همزمان با بحران اقتصادی، گفتگوها و انتقادهای داخلی در مورد برنامه هسته‌ای آرژانتین نیز آغاز شد و کم‌کم این موضوع از حالت تابو و اسطوره خارج شد. بسیاری در داخل کشور، بودجه سرسام‌آور برنامه هسته‌ای را عامل بحران اقتصادی دانستند. بانک جهانی هم توصیه کرده بود آرژانتین برای جلوگیری از عدم توازن در بودجه خود، هزینه تحقیقات و توسعه از جمله در بخش هسته‌ای را کاهش دهد. بحث بر سر هزینه‌های اقتصادی فعالیت‌های هسته‌ای، حتی به داخل هیأت حاکمه آرژانتین کشیده شد و خصوصی‌سازی کمیسیون ملی انرژی اتمی، به عنوان یکی از راهکارهای کاهش هزینه‌های برنامه هسته‌ای مورد توجه قرار گرفت. کارلوس منم در پاسخ به این بحث‌ها اعلام کرد آرژانتین چاره‌ای جز بازسازی سرمایه‌داری آرژانتینی ندارد. او در همین راستا، بودجه برنامه هسته‌ای را کمتر و بودجه مسکن، بهداشت و آموزش را افزایش داد. کارلوس منم سیاست‌های ضدآمریکایی گذشته آرژانتین را کنار گذاشت و در اولین سفر خود به واشنگتن در سپتامبر ۱۹۸۹ و چندماه پس از انتخاب‌شدن به عنوان رئیس‌جمهور، آمادگی کشورش را برای تصویب معاهده تلاتلولکو و کنارگذاشتن پروژه موشکی کندور ۲ اعلام نمود. در پی این تغییر موضع، سرمایه‌گذاری آمریکا در آرژانتین افزایش پیدا کرد و قراردادهایی در زمینه همکاری‌های هوا - فضا و فناوری هسته‌ای میان دو طرف امضا شد. (۲۶) بحران اقتصادی، رهبران آرژانتین و از جمله کارلوس منم، رئیس‌جمهور این کشور در ابتدای دهه ۱۹۹۰ را به سوی تغییر جهت کلی سیاست خارجی این کشور هدایت کرد و تغییر سیاست هسته‌ای نیز ارتباطی تنگاتنگ با این تحول داشت. چه بسا اگر مقامات آرژانتین برنامه هسته‌ای خود را با

گام‌های آهسته‌تری پیش می‌بردند، حساسیت‌های داخلی نسبت به آن کمتر می‌شد و نخبگان منتقد نمی‌توانستند هزینه‌های کلان برنامه هسته‌ای را عامل سقوط اقتصاد آرژانتین معرفی کنند. این در حالی بود که برزیل از همان ابتدا کوشید موضوع هسته‌ای را به موضوعی برای مباحث روشنفکری و ژورنالیستی تبدیل نکند و تا حد امکان آن را غیرسیاسی نگهدارد. آرژانتین که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به سیاسی‌کردن برنامه هسته‌ای و پیوندزدن آن با استقلال و حاکمیت ملی پرداخته بود، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و به دلیل بحران اقتصادی، در معرض انتقادهای داخلی به خاطر توجه بیش از حد به برنامه هسته‌ای قرار گرفت و حمایت داخلی روشنفکران و نخبگان را در برنامه هسته‌ای تا حد قابل توجهی از دست داد. در نتیجه، وقتی کارلوس منم مسیر سیاست هسته‌ای گذشته را تغییر داد، با اعتراضات داخلی چندانی مواجه نشد. اگر برنامه هسته‌ای متهم اصلی بحران اقتصادی تلقی نمی‌شد، چه بسا حمایت داخلی از برنامه هسته‌ای ادامه پیدا می‌کرد.

دومین عامل مهم و به تعبیری مکمل در تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین، بهبود روابط با برزیل از ابتدای دهه ۱۹۸۰ بود که در تأسیس ABACC به اوج خود در زمینه هسته‌ای رسید. اکنون هر دو کشور از طریق بازرسی‌های صورت‌گرفته توسط کمیسیون کنترل و حسابرسی آرژانتین و برزیل، از دامنه و ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای یکدیگر خبر دارند و این بهترین شکل اعتمادسازی میان آنهاست که باعث می‌شود نگران اهداف یکدیگر در برنامه هسته‌ای نباشند. اکنون این دو رقیب دیرین منطقه‌ای در زمینه‌های اقتصادی و هسته‌ای، به درجه بالایی از همگرایی رسیده‌اند و همکاری مشترک آنها، نقش مهمی در اجرایی‌شدن پیمان تلاتولوکو برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین داشت. افزون بر اینها، تأسیس ABACC تجربه منحصر به فرد و جالب توجه در همکاری‌های منطقه‌ای می‌باشد.

آرژانتین و برزیل، تا کنون، اولین و آخرین همسایگانی بوده‌اند که توانسته‌اند در یکی از حساس‌ترین حوزه‌ها، یعنی فعالیت‌های هسته‌ای، کمیسیون مشترک تشکیل داده و نظارت و بازرسی آن از فعالیت‌های هسته‌ای خود را بپذیرند. برای درک اهمیت این رویداد کافیهست توجه کنیم دو رقیب دیرین منطقه‌ای یعنی هند و پاکستان، نه تنها طی سال‌های گذشته در مسیر همکاری هسته‌ای پیش نرفته‌اند، بلکه هر دو در سال ۱۹۹۸، به آزمایش هسته‌ای دست زدند،

آنهم در حالی که به نظر می‌رسد برخلاف ادعای آنها، ورود سلاح‌های هسته‌ای به عرصه رقابت‌های دو کشور در شبه‌قاره هند، باعث ایجاد ثبات در آن نشده است. (۲۷) از این‌رو، بهبود روابط میان آرژانتین و برزیل را می‌توان دومین عامل مؤثر در تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین دانست. چه بسا در صورت عدم بهبودی روابط دو طرف، بحران اقتصادی هم نمی‌توانست باعث تغییر بنیادین سیاست هسته‌ای آرژانتین شود و ممکن بود دو طرف همانند هند و پاکستان دست به آزمایش اتمی بزنند.

البته، همانگونه که اشاره کردیم، این دو عامل از مهمترین عوامل تغییر سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین بودند. در کنار اینها، فشارهای آمریکا و تا حدی کمتر اروپا نیز مؤثر بود. به عنوان مثال افزایش سرمایه‌گذاری آمریکا در آرژانتین و بهبود روابط دو طرف، یکی از عوامل تسهیل تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین بود. با این حال، به نظر می‌رسد عوامل دیگر، در نهایت، از مجرای دو عامل بحران اقتصادی و بهبود روابط با برزیل توانستند تأثیرگذار باشند، به این معنا که اگر این دو اتفاق رخ نمی‌داد، حداقل، سرعت تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین کمتر می‌شد.

نتیجه‌گیری

مطالعه روند تکامل و تغییر سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، نکات آموزنده‌ای را نشان می‌دهد. نخست اینکه، تحقق ایده سیاست هسته‌ای مستقل، آنگونه که آرژانتین در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به دنبال آن بود، بسیار مشکل است؛ هرچند ناممکن نیست. خوش‌شانسی آرژانتین در آن بود که زمانی فعالیت‌های هسته‌ای خود را آغاز کرد که هنوز نظم هسته‌ای به اندازه کنونی محدودکننده نبود و قدرت‌های بزرگ مثل حالا نسبت به انتقال فناوری هسته‌ای حساس نبودند.

نکته دوم اینکه، به نظر می‌رسد در مورد آرژانتین نقش عوامل داخلی در تغییر سیاست هسته‌ای مهم‌تر از عوامل خارجی و فشارهای بین‌المللی بود. آرژانتین از دهه ۱۹۷۰، زیرفشارهای بین‌المللی برای پذیرش نظارت‌های بین‌المللی برای پذیرش نظارت‌های بین‌المللی

در برنامه هسته‌ای خود قرار داشت، اما این فشارها زمانی مؤثر واقع شد که نرخ تورم در آرژانتین به مرز ۵۰۰۰ درصد رسید و برنامه هسته‌ای از سوی روشنفکران و افراد مؤثر در افکار عمومی، عامل اصلی بحران اقتصادی شناخته شد. نتیجه آنکه، فشارهای خارجی، بدون تقویت شدن بر اثر تحولات داخلی نمی‌تواند تصمیم یک دولت را تغییر دهند؛ کما اینکه در مورد هند و پاکستان، تا کنون فشارهای خارجی مؤثر نبوده است. چون در داخل هر دو کشور انگیزه‌ای قوی برای داشتن سلاح هسته‌ای وجود دارد.

نکته سوم این است که مقام‌های آرژانتینی در پیش‌برد و طراحی برنامه هسته‌ای خود برخی اشتباهات را مرتکب شدند که مهم‌ترین آن همانا گسترش قابل توجه دامنه فعالیت‌های هسته‌ای و تبدیل شدن به صادرکننده هسته‌ای به کشورهای در حال توسعه بود. پیشرفت سریع آرژانتین در فناوری‌های حساس هسته‌ای، نگرانی غرب را دوچندان کرد و باعث افزایش حساسیت نسبت به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی آرژانتین شد. چه بسا اگر آرژانتین مثل برزیل با سرعت کمتری فعالیت‌های هسته‌ای خود را ادامه می‌داد، ناگزیر نمی‌شد سیاست هسته‌ای خود را به صورت بنیادین تغییر دهد. هرچند به نظر می‌رسد آرژانتین در شرایط کنونی و پس از جلب اعتماد جامعه بین‌المللی، در صدد احیای بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای خود و احتمالاً، غنی‌سازی اورانیوم در مقیاس صنعتی است.

نکته چهارم آنکه، تبدیل کردن موضوع هسته‌ای به یکی از موضوعات مورد علاقه افکار عمومی و رسانه‌ها، ضمن کمک به پیش‌برد برخی برنامه‌های هسته‌ای از طریق حمایت داخلی و پیوندزدن آن با غرور و هویت ملی، می‌تواند آسیب‌پذیری آن را افزایش دهد و آن زمانی است که کشور دچار بحران اقتصادی شود. در چنین شرایطی، انگشت اتهام ناخودآگاه متوجه برنامه هسته‌ای می‌شود و این برنامه، یکی از عوامل اصلی بروز بحران به شمار می‌آید؛ اتفاقی که در آرژانتین افتاد، اما در برزیل رخ نداد. البته، مورد هند و پاکستان نشان می‌دهد افکار عمومی در صورت پیوندزدن برنامه هسته‌ای به امنیت و بقای خود، حتی در شرایط نامناسب اقتصادی هم از برنامه هسته‌ای حمایت می‌کنند. در هند و پاکستان هم مشکلات اقتصادی وجود دارد، اما مردم عادی به این مشکلات عادت کرده‌اند و آن را بحرانی نمی‌دانند.

نباید این نکته کلیدی را فراموش کرد که تجربه بسیاری از کشورها در فعالیتهای هسته‌ای تا حد قابل توجهی منحصر به فرد بوده و الزاماً قابل تعمیم به سایر کشورها یا مناطق نیست. کما اینکه، تجربه آرژانتین و برزیل را نمی‌توان به هند و پاکستان تعمیم داد. در عین حال، کشورها در محیط بین‌المللی مشترک زندگی می‌کنند و از این‌رو، با فشارهای بین‌المللی و محیطی تقریباً مشابهی مواجه‌اند. مورد آرژانتین تفاوت‌های زیادی با مواردی چون پاکستان، هند، کره شمالی، لیبی و برخی موارد دیگر دارد، اما همه این کشورها، به خاطر تلاش برای دستیابی به فناوری هسته‌ای پیشرفته، تحت فشار بین‌المللی قدرت‌های بزرگ و مخصوصاً آمریکا بوده‌اند و در اغلب موارد هم متهم به تلاش برای تولید بمب اتمی شده‌اند. مورد آرژانتین نشان می‌دهد گاهی کشورها در برنامه هسته‌ای خود بیشتر به دنبال افزایش پرستیژ و موقعیت منطقه‌ای خود هستند تا تولید بمب اتمی. آرژانتین می‌توانست در دهه ۱۹۷۰ به فناوری تولید بمب پلوتونیومی دست یابد و صاحب بمب اتمی شود، اما این کار را نکرد، زیرا برنامه هسته‌ای خود را نه در راستای کسب امنیت، بلکه در جهت کسب پرستیژ تنظیم کرده بود. نه مسیر دستیابی به بمب اتمی، آنگونه که کشورهای غربی ادعا می‌کنند آسان است و نه خود دولت‌ها الزاماً دنبال آن هستند که برنامه هسته‌ای خود را سمت به تولید بمب اتمی هدایت کنند. به عبارت دیگر، کسب پرستیژ و افزایش قدرت دولت از طریق برنامه هسته‌ای پیشرفته می‌تواند باعث تقویت پرستیژ و قدرت دولت شود. نمی‌توان منکر این واقعیت نظام بین‌الملل شد که رفتار قدرت‌های بزرگ با دولت‌های صاحب فناوری‌های حساس هسته‌ای، متفاوت از دولت‌های فاقد این فناوری است.

یادداشت‌ها

۱. کنت والتز، «صلح، ثبات و سلاح‌های هسته‌ای»، ترجمه منیر میرنظامی، پژوهش‌نامه خلع سلاح، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۵۶
2. Ariel E. Levite, "Never Say Never Again: Nuclear Reversal Revisited", *International Security*, Vol, 27, No.3 Winter 2002 / 2003 pp. 55- 58.
۳. والتز، پیشین، صص ۱۴۹ - ۱۴۸
4. Etel Solingen, *Nuclear Logics: Contrast Paths in East Asia and the Middle East*, Princeton and Oxford: Princeton University Press, 2007, p. 17.
5. Peter Liberman, "The Rise and Fall of the South African Bomb", *International Security*, Vol. 26, No.2 Fall 2001, pp. 45-86.
6. Liewelyn Hughes, "Why Japan Will Not Go Nuclear (Yet): International and Domestic Constraints on the Nuclearization of Japan", *International Security*, Vol31, No. 4. Sprint 2007
۷. لیندا چن، «آرژانتین در قرن بیست و یکم»، در *آمریکای لاتین: سیاست، حکومت و توسعه*، ویراسته هواردا جی. و یاردا و دیگران، ترجمه علیرضا قربان‌پور، تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر، ۱۳۸۷، صص ۱۹۹ - ۱۹۷.
8. Manpreet Sethi, *Argentina's Nuclear Policy*, New Delhi: kw 1992, 20.
9. Ibid, p. 21
10. Julio C. Carasales, "The so - Called Proliferator that Wasn't: the Story of Argentina's Nuclear Policy," *The Non- proliferation Review*, Fall, 1999.
۱۱. ایدا و یاردا، "برزیل: بی‌نظمی‌های یک دموکراسی مترقی"، در *آمریکای لاتین: سیاست، حکومت و توسعه*، پیشین، صص ۲۷۳ - ۲۷۲.
۱۲. طاهره زندی، "تغییر کاربرد برنامه‌های هسته‌ای از نظامی به صلح‌آمیز در برزیل"، *پژوهشنامه خلع سلاح*، سلاح شماره ۵، فروردین ۱۳۸۶، صص ۲۹ - ۲۸.
13. Paulo S. Wrobel, "From Rivals to Friends: the Role of Public Declarations in Argentina - &razil Rapproachemnt." Available at [www: Stimson. Org/pdf/dcwroble. Pdf](http://www.Stimson.Org/pdf/dcwroble.Pdf).
14. Manpreet Sethi, op.cit, p.90.
15. Ibid, p. 95.
16. Clovis Brigagao and Marcelo F. Valle Fonrouge, " A Regional Model of Confidence – Building for Nuclear Security in Argentina and Brazil", *The International Journal of Peace Studies*, Vol. 3
17. Sethi, op.cit, p.74.
18. Ibid, p. 24

19. David Shein, "Nuclear Development and the Shaping of an Independent Argentine Foreign Policy: 1950-1990", available at: www.tau.ac.il
20. John R.Redick, Nuclear Illusions: Argentina and Brazil, December 1995, the Henry L.Stimson Center
21. Federation of American Scientists (FAS), "Nuclear Weapons Program: Argentina", Available at www.fas
22. available at: [www. Security – research. At / viman / pdf](http://www.Security-research.At/viman/pdf)
23. Sethi, op.cit, p. 130.
24. Ibid, p. 31.
25. Ibid, p. 165
26. Ibid, p. 133
27. See Sumit Ganguly, "Nuclear Stability in South Asia", *International Security*, Vol.33, No.2, Fall 2008.

